یادداشت

تفاوت های قراردادهای بیع متقابل وفاینانس

سیدمهدی حسینی، معاون سابق بین الملل وزارت نفت

در طرح های پایین دستی که ریسک های مخزن و تولید مانند پروژه های بالادستی وجود ندارد و سقف هزینه ها پایین است، قراردادهای فاینانس بهتر از بیع متقابل نتیجه می دهد. در گذشته طرح های پتروشیمی بیشتر از همین طریق تامین مالی شدند، ولی برای بالادستی روش فاینانس خیلی مناسب نیست. در قراردادهای فاینانس پوشش بیمه را باید دولت وام دهنده تامین کند که دولت ها می توانند از این موضوع به عنوان ابزاری سیاسی استفاه کنند که گاهی نیز با این موضوع بازی کرده اند. یکی ازعیب های فاینانس همین مساله است و کشور خود ما نیز به کرات شاهد این فراز و نشیب ها بوده است. درباره مزایا و معایب قراردادهای فاینانس و خطوط اعتباری بایستی گفت: قراردادهای خطوط اعتباری هم همان فاینانس هستند. خطوط اعتباری تعریف های مختلفی مانند اعتبار به خریدار واعتبار به فروشنده دارد و به این صورت است که بانک ها خطوط اعتباری می دهند و دولت ها پوشش بیمه ای آن را فراهم می کنند. گستره استفاده از فاینانس محدود است، هر کشوری برای پوشش بیمه ای فاینانس سقفی را تعیین می کند، بنابراین پروژه های چند میلیاردی نظیر نفت شانس کمتری جهت تامین مالی از طریق فاینانس دارند. برای نمونه بزرگ ترین قرارداد فاینانسی که ما توانستیم تامین کنیم، از یک بانک آلمانی برای فازهای ۹ و ۱۰ پارس جنوبی به ارزش ۱.۷ میلیارد دلار بوده است. ازسوی دیگر در فاینانس، بانک طرف حساب است و به شیوه خرج هزینه ها در اجرا کار ندارد و صرف نظر از موفقیت یا عدم موفقیت طرح ها در زمان مشخص بازپرداخت وام را طلب می کند که همین امر در سال ۱۳۷۴ موجب مشکلات عظیم اقتصادی شد. ولی در بیع متقابل، بانک با یک شرکت نفتی طرف حساب است و بازپرداخت ها موکول به موفقیت اجرای طرح است. به این ترتیب این شرایط هم تضمین اجرای موفق طرح را به همراه دارد و هم نگرانی بازپرداخت قبل از تولید درآمد وجود ندارد.

یادداشت

تبعات منفی لغو سهمیه بندی بنزین و توقف روند کاهشی تورم

سید محمد صاحبکار، کارشناس اقتصادی

حذف سهمیه بندی بنزین به معنای بازگشت به سیاست های قیمتی بنزین در سال های پیش از سهمیه بندی و افزایش تورم واقعی و تورم انتظاری است.

تجربه موفق سهمیه بندی در کاهش ۴۰ درصدی مصرف بنزین، افزایش بهره وری و ایجاد عدالت در توزیع یارانه بنزین اشاره می کنم. با اینکه کاهش سهمیه از ۱۲۰ لیتر به ۶۰ لیتر با فرض مصرف ۱۲۰ لیتر در ماه هزینه بنزین را از ۱۲ هزار تومان به ۳۰ هزار تومان افزایش داد، اما با این وجود تورم تک رقمی را تجربه کردیم. علت این امر افزایش هزینه برای مصرف بیش از ۶۰ لیتر بود. احتمال حذف سهمیه بندی نگران کننده است. چگونه چنین تجربه ای که طی سه سال صرفه جویی ۱۴ هزار میلیارد تومانی و کاهش مصرف از ۷۵ میلیون لیتر به ۶۲ میلیون لیتر را به دنبال داشته است، نادیده انگاشته می شود. این منافع در شرایطی ایجاد شده که طی مدت مذکور ۴ میلیون خودرو و ۲ میلیون موتور سیکلت به تعداد وسایل نقلیه کشور افزوده شده است. در روزهای اخیر صحبت از «عرضه بنزین تک نرخی» از نیمه دوم سال می شود، این در حالی است که تداوم سهمیه بندی منافاتی با قانون هدفمند کردن یارانه ها ندارد. تخصیص سهمیه ماهانه ۶۰ لیتر به هر «خانوار» و پرداخت ما به تفاوت یارانه بنزین به خانوارهای فاقد خودرو زمینه ساز توزیع عادلانه تر یارانه ها در این بخش خواهد بود. می توان با افزایش قیمت بنزین آزاد به ۸۰۰ تا ۱۰۰۰ تومان، یارانه ای را عملا به افرادی که مازاد بر سهمیه بنزین مصرف می کنند پرداخت نکرد و این در حالی است که برای مصارف کمتر از ۶۰ لیتر افزایش هزینه ای به خانوارها تحمیل نمی شود.

نگاه ویژه

سازمان بازرسی کل کشور:

گازسوزیهای ایران ۷۵ برابر عربستان است

سازمان بازرسی کل کشور در واکنش به گزارش اخیر شرکت ملی پالایش و پخش نفتی، حجم گاز سوزی های ایران را ۷۵ برابر عربستان عنوان کرد و گفت: بر اساس گزارشهای رسمی روزانه در فرآیند تولید نفت، پالایش، انتقال و تبدیل گاز معادل تولید ۵ فاز پارس جنوبی گاز اتلاف می شود.

سازمان بازرسی کل کشور با انتشار گزارشی در واکنش به جوابیه شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده های نفتی، اعلام کرد: پیرو خبر برخی رسانه ها به نقل از شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده های نفتی که در پاسخ به سخنرانی مدیر کل نظارت و بازرسی امور نفت سازمان بازرسی کل کشور منعکس شد، روابط عمومی سازمان بازرسی کل کشور توضیحاتی به شرح زیر عنوان کرد:

۱- سخنرانی مدیرکل نظارت و بازرسی امور نفت سازمان بازرسی کل کشور در پنجمین کنگره ملی انرژی و اقتصاد در تاریخ ۳۱ خرداد ماه امسال تحت عنوان "ضرورت تدوین الگوی بهینهٔ بهره برداری از منابع گاز کشور" ایراد شد و طبعاً بخشی از آن به اتلاف منابع گاز در حوزه تولید و تبدیل اشاره داشته است و به دلیل عدم انعکاس دقیق آن در برخی رسانه ها، گزیده مطالب آن در تاریخ یک تیر ماه در پایگاه اطلاع رسانی سازمان بازرسی کل کشور منتشر و به خبرگزاری های کشور نیز منعکس شد.

یادآور می شود در این سخنرانی نامی از پالایشگاههای نفت برده نشده و مطالب بیان شده بر موضوع گاز و راهبرد ملی انرژی، متمرکز بوده است.

۲- اساساً موضوع تلفات انرژی در کشور از مسائل کلیدی حوزه اقتصاد انرژی و همواره دغدغهٔ کارشناسان، مدیران دلسوز و مسؤولان ارشد نظام بوده است و ارقام آن بسیار نگران کننده و غیرقابل قبول است.

۳- از سوی دیگر موضوع جمع آوری گازهای همراه نفت در حوزه مسؤولیت شرکت ملی نفت ایران و گازهای تلف شده در فرآیند پالایش مربوط به شرکت ملی گاز ایران و تلفات انرژی نیروگاههای کشور مربوط به شرکت توانیر است و اساساً اتلاف منابع گاز کشور، هیچ گونه ارتباطی با شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده های نفتی و تلفات یا ضایعات پالایشگاه های نفت ندارد و از این رو اظهار نظر شرکت ملی پالایش و پخش در خصوص مسأله اتلاف منابع گاز بی مورد است.

ضمن اینکه آمار ارائه شده از سوی این شرکت درباره اتلاف و ضایعات پالایشگاههای نفت نیز در جای خود قابل تامل می باشد.

۴- در پایان مجدداً خاطر نشان می سازد براساس آخرین ترازنامهٔ هیدروکربوری، متأسفانه روزانه بالغ بر ۴۰ میلیون متر مکعب گاز به صورت گاز همراه نفت در حوزهٔ فعالیت شرکت ملی مناطق نفت خیز جنوب، شرکت نفت فلات قاره، شرکت نفت مناطق مرکزی و شرکت نفت و گاز اروندان سوزانده می شود و این میزان تقریباً ۲ برابر صادرات گاز ایران به ترکیه و ۷۵ برابر گازهای همراه سوزانده شده در عربستان (با ۲ برابر تولید نفت ایران) است! همچنین حدود ۳۰ میلیون متر مکعب گاز در فرآیند پالایش، فرآورش، انتقال و چرخهٔ عملیات و بالغ بر ۷۰ میلیون متر مکعب در شبکه تولید برق به دلیل راندمان پایین تلف می شود. همان گونه که ملاحظه می گردد مجموع اتلاف گاز کشور در فرآیند تولید نفت خام و پالایش، انتقال و تبدیل گاز بر اساس گزارشهای رسمی به طور تقریبی بیش از تولید گاز طبیعی ۵ فاز پارس جنوبی است و این رقم متاسفانه اغراق آمیز نیست!

۵- مزید اطلاع مجموع تلفات انرژی به شکل مجاز و غیر مجاز در کل عملیات صنعت نفت و سایر بخشهای انرژی، صرف نظر از مصرف بی رویه در بخش خانگی و تجاری و امثالهم به مراتب بیش از این ارقام می باشد که در جای خود قابل تجزیه و تحلیل است. به هرحال مشروح گزارش های مستند این سازمان در خصوص وضعیت نامطلوب اتلاف منابع انرژی کشور در صورت لزوم برای اطلاع کارشناسان منتشر خواهد شد.

سرانجام اساسنامه های نفت

سید محمد میرمحمدی، معاون اسبق حقوقی و امور مجلس وزارت نفت

تغییراساسنامه شرکت های صنعت نفت پس از پیروزی انقلاب اسلامی مدنظر قرار گرفته لیکن در بعضی از مقاطع زمانی از تب و تاب بیشتری برخوردار بوده است و نوسان شدت و ضعف طرح این مسئله در سطح افکار عمومی تنها به دلیل ضرورت تغییر قوانین طاغوتی و اصلاح قوانین مورد عمل رژیم شاهنشاهی نبوده بلکه در بعضی موارد می توان گفت که مرتبط با وابستگی وزرای نفت به جریانات سیاسی چپ و راست بوده است. مروری به روند مسایل مطروحه در مورد اساسنامه شرکت های صنعت نفت نشان می دهد که اوج فضاسازی برای تغییر این اساسنامه ها و انتقاد شدید از دولت به دلیل عدم ارایه آنها به مجلس شورای اسلامی در آستانه انتخابات نهمین دوره ریاست جمهوری است و از آن پس این مسئله مهم معوق و دامنه انتقادات و برخوردهای قبلی محدود گردید. در صورتی که در سال های قبل از دولت نهم موضوع تغییر اساسنامه شرکت نفت در جراید کشور مطرح و بحث آن داغ می شد و مجددا فروکش کرده و به سردی می گرایید. گاهی حمله ها شدید و گاهی فضا لطیف می شد. چنین نوساناتی در برخورد با اساسنامه شرکت نفت نشان از تحریک عواطف و ایجاد هیجانات مورد نظر برخی از جریان های سیاسی دارد. در صورتی که ماهیت و حساسیت صنعت نفت در کشور از جنبه های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و امنیتی و مناسبات بین المللی ایجاب می نماید که نه تنها از برخوردهای مقطعی ناشی از حوادث و جریانات سیاسی که معمولا با غلیان عواطف و احساسات و فضاسازی های خاص توام می شود پرهیز گردد و خدای ناکرده منافع ملی و مصالح عمومی بلند مدت ملک و ملت به پای اهداف و اغراض کوتاه مدت سیاسی و گروهی قربانی نشود، بلکه طرح موضوع اساسنامه شرکت نفت نیازمند فضایی آرام و منطقی است به نحوی که بتوان در این فضا واقع بینانه به اشکالات و نواقص قوانین موجود پرداخت و آنها را برطرف ساخت و با خرد جمعی مسوولان، مدیران متخصصان و صاحبنظران ذی ربط در مجلس و دولت به ویژه صاحبنظران و فرهیختگان صنعت نفت کشور، افق گسترش و توسعه این صنعت عظیم و سازوکارهای ضروری آن را برای رقابت با شرکت های نفتی سایر کشورها ترسیم و زمینه تحقق آن را با استفاده از توانایی ها و دانش کارشناسان و متخصصان نفت کشور و دست آوردهای علمی و تحقیقاتی و فناوری های روز داخلی و خارجی فراهم نمود و با تحصیل توفیقات جدید و پیشرفت و ترقی صنعت نفت در مناسبات بین المللی از موقعیت ممتاز برخوردار و به این صورت بر افتخارات تاریخی ملی شدن صنعت نفت کشور اضافه کرد. بنابراین می بایست نیروی انسانی صنعت نفت را به عنوان بالاترین سرمایه موثر محور قرار گیرد و مبتنی بر تجارب موفق و دانش و فناوری های داخل و خارج نواقص و نارسایی های قوانین موجود را برطرف و با خلاقیت و نوآوری های ارزشمند متخصصان و خلق ارزشها و راهکارهای جدید و موثر زمینه های پیشرفت و ترقی را مهیا و اساسنامه جدید شرکت نفت را بر این شالوده استوار ساخت. در ضرورت تغییر و اصلاح اساسنامه شرکت نفت شکی وجود ندارد ولی دغدغه های موجود در ارتباط با افراط و تفریط در تصمیم گیری ها و غفلت از برخی وجوه تولیدی، مدیریتی و بین المللی این صنعت احتمالا مانعی برای این تغییرات بوده است. پر واضح است وقتی موضوع تغییر اساسنامه شرکت نفت مطرح می شود علاقمندان به سرمایه گذاری و یا طرف های قراردادها و معامله با این صنعت که نقش بارزی در اقتصاد ایران دارد در وضعیت نامعلومی قرار می گیرند و دغدغه این را خواهند داشت که منافع آنها در این تغییرات نادیده گرفته شود و یا سرمایه گذاری و فعالیت هایشان با صنعت نفت مختل گردد. بنابراین طولانی شدن موضوع تغییر اساسنامه و طرح این گونه مسایل و چنین برخوردهایی به طور متناوب یا متوالی در سطح جراید از یک طرف بلاتکلیفی را گسترش و از طرف دیگر اعتماد را کاهش خواهد داد که نتیجه مطلوبی برای صنعت نفت کشور در پی نخواهد داشت. در این گزارش به روند طی شده در مورد ارایه اساسنامه شرکت های نفت، گاز و پتروشیمی می پردازیم تا چنانچه از ناحیه دولت ها قصوری باشد در رفع آن اقدام و اگر در ارتباط با نارسایی و عدم صراحت قوانین باشد به اصلاح قوانین پرداخته شود. آنچه در ارتباط با اساسنامه شرکت نفت مبنای انتقاد و اعتراض برخی نمایندگان و افرادی از گروه های سیاسی قرار گرفته تبصره ماده ۴ قانون نفت مصوب ۱۳۶۶/۷/۹ می باشد در اینجا ماده ۴ قانون مزبور و تبصره آن مورد مداقه قرار می گیرد تا تکلیف دولت یا عدم صراحت قانون در این رابطه مشخص شود. لیکن از دولت نهم به بعد با توجه به قوانین بودجه سال های ۱۳۸۴ الی ۱۳۸۹ که در آنها هر ساله دولت به صراحت مکلف و یا موظف گردیده نسبت به ارایه اساسنامه شرکت ملی نفت ایران، شرکت ملی گاز ایران و شرکت ملی صنایع پتروشیمی به مجلس اقدام کند برای معوق ماندن اساسنامه ها توجیه قابل قبولی به نظر نمی رسد. با این حال اعتراضات قبل، در این خصوص دیده نمی شود و به نظر می رسد با تغییر دولت نظر معترضین و منتقدین تامین شده باشد که در اینصورت چنین تصوری بعید نخواهد بود که تغییر اساسنامه نفت سوژه ای برای ایجاد ذهنیت منفی در مردم نسبت به دولت های قبل بوده است که از این طریق اقشاری از مردم نسبت به برخی از مسئولین بی اعتماد می شوند بی آنکه توجه داشته باشند بی اعتمادی به مسئولین نظام، بی اعتمادی به بخشی از نظام را در پی خواهد داشت و از طرف دیگر اطلاع افکار عمومی از واقعیت ها که به طرق مختلف بر ملا می شود موجب بی اعتمادی به منتقدین و در نتیجه گسترش دامنه بی اعتمادی ها می گردد که لطمه جبران ناپذیری به نظام خواهد بود. بررسی روند طی شده در مورد ارایه اساسنامه شرکت های نفت و گاز و پتروشیمی به مجلس شورای اسلامی موجب خواهد شد که برداشت دقیق تری از این موضوع حاصل شود لذا به این منظور مبانی قانونی تغییر اساسنامه نفت در دو مقطع زمانی مورد بررسی قرار می گیرد.

۱- مقطع زمانی سال های ۶۷ الی ۸۳ یعنی پس از اجرایی شدن قانون نفت مصوب ۱۳۶۶/۷/۹

۲- مقطع زمانی سال های ۸۴ تا کنون یعنی از زمانی که هر ساله در قانون بودجه دولت مکلف یا موظف به ارایه اساسنامه شرکت های مذکور بوده است.

۱- در مقطع زمانی ۶۷ الی ۸۳ صرف نظر از ماده ۳ لایحه قانونی تاسیس وزارت نفت مصوب ۱۳۵۸/۷/۸ و مواد ۲ و ۳ و ۴ لایحه قانون متمم لایحه قانونی تاسیس وزارت نفت مصوب ۵۹/۳/۲۹ که به وزارت نفت اختیار داده شده تا با توجه به ضرورت عملیات نسبت به تغییر ساخت شرکت های موجود (تجزیه یا ادغام یا انحلال یا تاسیس شرکت های جدید) مطالعات لازم را به عمل آورده و پس از تصویب کمیسیونی مرکب از وزیر نفت، وزیر مشاور و سرپرست سازمان برنامه و بودجه و دبیرکل سازمان امور اداری و استخدامی کشور به موقع اجرا گذارد، در اینجا متن ماده ۴ و تبصره آن در مورد اساسنامه شرکت های نفت و گاز و پتروشیمی که اساس اعتراضات و انتقادات واقع شده است مورد مداقه قرار می گیرد. در ماده ۴ قانون نفت به وزارت نفت اختیار داده شده برای انجام عملیات نفتی و بهره برداری در سراسر کشور، فلات قاره و دریاها شرکت هایی را تاسیس نماید. در این ماده آمده است؛ اساسنامه های شرکت های نفت، گاز و پتروشیمی پس از تصویب مجلس شورای اسلامی به مورد اجرا گذارده خواهد شد و تصویب اساسنامه های سایر شرکت ها با هیات وزیران خواهد بود. در تبصره این ماده وزارت نفت مکلف شده از تاریخ تصویب این قانون اساسنامه های شرکت های نفت، گاز و پتروشیمی را ظرف مدت یک سال جهت تصویب به مجلس شورای اسلامی تقدیم نماید. بنابراین وزارت نفت طبق ماده ۴ اختیار داشته است شرکت هایی را تاسیس نماید ولی مکلف و یا موظف نبوده است لذا به هر دلیلی در خصوص تاسیس این شرکت ها از اختیار خود استفاده نکرده است و تخلفی هم مرتکب نشده است. در قسمت بعدی این ماده که گفته است اساسنامه های شرکت های نفت، گاز و پتروشیمی پس از تصویب مجلس شورای اسلامی به مورد اجرا گذارده خواهد شد، مشخص نیست که منظور قانونگذار شرکت هایی است که در این ماده اختیار تاسیس آنها به وزارت نفت محول شده و یا شرکت های نفت، گاز و پتروشیمی موجود است. بنابراین اگر منظور قانون گذار شرکت های نفتی موجود بوده است در اینصورت متن ماده ۴ و تبصره آن فاقد صراحت لازم می باشد و در تطبیق با نصوص قانونی مندرج در ماده ۳ لایحه قانونی تأسیس وزارت نفت و مواد ۲ و ۴ لایحه قانونی متمم آن مبهم و فاقد صراحت می باشد. به علاوه در تبصره ماده ۴ وزارت نفت مکلف شده است اساسنامه های شرکت های نفت، گاز و پتروشیمی را ظرف مدت یک سال جهت تصویب به مجلس شورای اسلامی تقدیم نماید در صورتی که تقدیم لوایح قانونی طبق اصل ۷۴ قانون اساسی پس تصویب از هیات وزیران از طریق دولت به مجلس ارایه می گردد. بنابراین به نظر می رسد همین نارسایی های قانونی عامل عدم ارایه اساسنامه این شرکت ها توسط دولت های قبل به مجلس بوده است و این موضوع زمانی بیشتر و بهتر روشن می گردد که وزارت نفت مطابق تکلیف خود اساسنامه های مزبور را تهیه ولی چون دولت در این زمینه تکلیف قانونی به عهده نداشته است اقدامی معمول ننموده به طوری که اساسنامه های تدوینی وزارت نفت نهایتا توسط عده ای از نمایندگان دوره سوم مجلس شورای اسلامی در سال (۱۳۷۰- ۱۳۷۱) به صورت طرح های قانونی مشروحه زیر تقدیم مجلس شورای اسلامی گردیده است:

۱- طرح قانونی اساسنامه شرکت ملی نفت ایران به شماره ترتیب چاپ ۱۳۵۱ و شماره دفتر ثبت ۴۸۶

۲- طرح قانونی اساسنامه شرکت ملی گاز ایران به شماره ترتیب چاپ ۳۵۹ و شماره دفتر ۴۸۷

۳- طرح اساسنامه شرکت ملی صنایع پتروشیمی به شماره ترتیب چاپ ۳۶۰ و شماره دفتر ثبت ۴۸۸

این طرح ها توسط کمیسیون های اصلی و فرعی مورد رسیدگی واقع و کلیات آن به تصویب رسیده است لیکن در زمان بررسی شور دوم این طرح ها در دوره چهارم مجلس در صحن علنی، پیشنهاد مسکوت گذاردن آنها واصل و مسکوت ماندن آنها برای مدت شش ماه مصوب گردیده و پس از مهلت مذکور تاکنون در جریان تصویب قرار نگرفته است.

در پاسخ وزیر وقت نفت (آقای مهندس زنگنه) به سوال یکی از نمایندگان مجلس در خصوص عدم ارایه اساسنامه های شرکت نفت، گاز و پتروشیمی نیز به نارسایی قوانین و برداشت متفاوت از قوانین موجود اشاره گردیده است. بنابراین با توجه به اینکه اساسنامه های تهیه شده توسط وزارت نفت به صورت طرح قانونی در مجلس مطرح شده است به نظر می رسد منتقدین یا از موضوع بی اطلاع بوده اند و یا اگر اطلاع داشته اند تغییر و اصلاح اساسنامه ها برای آنها مطرح نبوده است زیرا دست مجلس برای تغییر و اصلاح این اساسنامه ها در بررسی شور اول و دوم باز بوده و تصویب آنها نیز مقدور بوده است. با توجه به پاسخ وزیر نفت به سوالاتی که در این خصوص مطرح گردیده و با توجه به سوابق موجود طرح های قانونی فوق الذکر در مورد اساسنامه شرکت های مورد نظر که در دوره سوم و چهارم مجلس در صحن علنی مطرح گردیده و منجر به مسکوت گذاردن آن ها شده است، برای عده ای از نمایندگان مجلس هفتم قابل توجه افتاده که از نظر قانونی برای تغییر اساسنامه شرکت های نفت، گاز و پتروشیمی تکلیفی به عهده دولت نبوده و ایراد و اشکال به نارسایی قانون نفت بر می گردد شاید به همین دلیل توسط ۳۴ نفر از نمایندگان دوره هفتم مجلس نیز طرح اساسنامه شرکت ملی نفت ایران مجددا به مجلس تقدیم گردیده که به شماره ۶۸۶ مورخ ۱۳۸۳/۱۲/۱۷ و شماره ثبت ۳۵۲ به کمیسیون اصلی و کمیسیون های فرعی ارجاع داده شده است که این طرح هم سرانجام مشخصی نداشته است.

۲-در مقطع زمانی ۸۴ تاکنون یعنی از موقعی که نارسایی قوانین برطرف و صراحت و شفافیت قانونی در مورد تهیه و ارایه اساسنامه های شرکت ملی نفت ایران، شرکت ملی گاز ایران و شرکت ملی صنایع پتروشیمی به وجود آمده و دولت مکلف بوده اساسنامه ها را در مهلت معینه به مجلس تقدیم نماید باید دید چه اقداماتی صورت پذیرفته و اشکال کار در چیست که هنوز اساسنامه ها توسط دولت به مجلس ارایه نشده است. مجلس اصولگرای هفتم در بند "د" تبصره ۱۱ قانون بودجه سال ۱۳۸۴ یعنی سال پایانی دولت هشتم، صراحتاً دولت را مکلف نمود تا پایان خردادماه سال ۸۴ اساسنامه های شرکت های فوق الذکر را به مجلس شورای اسلامی تقدیم نماید. با شروع بحث های قانون بودجه سال ۸۴ در مجلس وزیر وقت نفت هیاتی متشکل از مدیران مجرب و کارشناسان و متخصصین داخل و خارج وزارت نفت را برای تهیه اساسنامه این شرکت ها معین تا تحت نظر معاونت حقوقی و امور مجلس به بررسی اساسنامه های قبلی پرداخته و با مبنا قراردادن اساسنامه مصوب هیات مدیره شرکت ملی نفت ایران که پیشنهاد گردیده و مبتنی بر محورهای زیر

۱-تقویت امکان نظارت و مسوولیت خواهی مجلس از وزیر نفت

۲-ایجاد سازوکارهایی که درآمد دولت را از فعالیت های شرکت ملی نفت ایران حداکثر نماید

۳-افزایش اعتبار جهانی این شرکت ها به ویژه شرکت ملی نفت ایران

۴-فراهم کردن امکان ایفای نقش بین المللی برای شرکت های ملی نفت ایران و صنایع پتروشیمی

۵-شفاف سازی روابط مالی بین دولت و شرکت ملی نفت ایران

۶-حداقل تغییرات در اساسنامه های موجود

بررسی و اقدام لازم به عمل آورد. این هیات با جلسات متعدد و اخذ نظر از متخصصان و صاحبنظران فنی، حقوقی و اجرایی در داخل وزارت نفت و برخی دستگاه های هم عرض و مافوق، اصلاحات لازم را در اساسنامه ها معمول و سپس این اساسنامه ها به نظر خواهی گذاشته شده تا شرکت ها و صاحبنظران با ملاحظه متن اساسنامه جدید نظرات اصلاحی و تکمیلی دیگری اگر وجود دارد اعلام تا مورد بررسی واقع و در متن اساسنامه های جدید لحاظ گردد. اساسنامه شرکت های نفتی سایر کشورها نیز از طریق امور بین الملل وزارت نفت جمع آوری و برخی از آنها که از نظر همخوانی با شرایط ایران نزدیک تر بود به فارسی ترجمه و مورد استفاده هیات قرار گرفته است. همچنین در ارتباط با طرح های پیشنهادی نمایندگان مجلس که در دوره سوم و چهارم مجلس مورد رسیدگی و در جریان تصویب قرار گرفته بود بررسی تطبیقی به عمل آمده و نهایتا اساسنامه های شرکت ملی نفت ایران، شرکت ملی گاز ایران و شرکت ملی صنایع پتروشیمی در تاریخ ۱۳۸۴/۳/۲۳ به دولت تقدیم تا پس از تصویب هیات وزیران به مجلس شورای اسلامی داده شود. این اساسنامه ها در جلسه مورخ ۱۳۸۴/۴/۵ هیات وزیران مطرح و مقرر می گردد، سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور با همکاری وزارتخانه های نفت و امور اقتصادی و دارایی و معاونت حقوقی و امور مجلس رییس جمهور متن نهایی اساسنامه ها را تنظیم و به دولت ارایه نمایند. پس از شروع به کار دولت نهم بررسی اساسنامه ها در دولت جدید ادامه یافته و ابتدا طی پنج جلسه اساسنامه ها در دبیرخانه هیات دولت با حضور معاون امور حقوقی ریاست جمهوری، معاون زیر بنایی سازمان مدیریت و برنامه ریزی، معاون امور شرکت های وزارت اقتصادی و دارایی و نماینده معاون اجرایی رییس جمهور مورد بررسی و بحث و تبادل نظر قرار گرفته است.

متعاقب این جلسات، بررسی اساسنامه ها به گروهی متشکل از نمایندگان وزارت امور اقتصادی و دارایی و معاون حقوقی و امور مجلس رییس جمهور و معاون اجرایی رییس جمهور و سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور و وزارت نفت محول می گردد. در این گروه نظرات و پیشنهادات دستگاه های مختلف از جمله ۷۴ مورد ایراد و اشکالی که سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور به طور مکتوب اعلام نموده بود مطرح و مورد بررسی قرار گرفته است. مباحثات انجام شده در این گروه موجب رفع ۵۳ مورد از ۷۴ مورد ایراد و اشکال وارده سازمان مدیریت و تفاهم و هم نظری دستگاه ها با وزارت نفت شده و سایر نظرات مطروحه و پیشنهادات در انجام اصلاحات عبارتی و یا ترتیب بندی مواد اساسنامه مورد استفاده واقع و گزارش آن به دولت داده شده است. متن اساسنامه ها براساس جمع بندی گروه فوق الذکر، در جلسه مورخ ۸۴/۱۲/۲۴ هیات وزیران که در استان گلستان برگزار شده، مطرح و هیات وزیران مقرر نموده این اساسنامه ها در جلسه ای با مسئولیت معاون اول رییس جمهور و با حضور وزرای نفت، امور اقتصادی و دارایی، رییس سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور و معاون حقوقی و امور مجلس رییس جمهور مورد بررسی واقع و نتیجه آن به عنوان مصوبه هیات وزیران ابلاغ گردد. در این ارتباط هیات منتخب دولت در جلسه مورخ ۸۴/۱۲/۲۷ به اساسنامه ها رسیدگی و نهایتا مقرر می نماید ساختار شرکت ها به صورت شرکت فوق مادر تخصصی و چهار شرکت مادر تخصصی زیر مجموعه آن تشکیل و بر اساس این ساختار با حفظ ماهیت متن اساسنامه های مذکور مجددا با مشارکت وزارت نفت، وزارت امور اقتصادی و دارایی و سازمان مدیریت و برنامه ریزی اساسنامه این شرکت ها تهیه شود. بر این اساس اساسنامه پنج شرکت به نام های زیر توسط وزارت نفت تهیه و به هیات منتخب داده می شود.

۱- اساسنامه شرکت ملی نفت ایران به عنوان شرکت فوق مادر تخصصی (شرکت مایملک)

۲-اساسنامه شرکت ملی اکتشاف و تولید نفت و گاز ایران

۳-اساسنامه شرکت ملی پالایش نفت و گاز ایران

۴-اساسنامه شرکت ملی انتقال و توزیع نفت و گاز ایران

۵-اساسنامه شرکت ملی صنایع پتروشیمی

هیات منتخب دولت دومین جلسه خود را تا تاریخ ۸۵/۱/۲۸ جهت بررسی اساسنامه های جدید برگزار و با توجه به نقطه نظراتی که در جلسه مطرح می گردد نهایتا مقرر میشود نقطه نظرات مطروحه در جلسه این هیات، در گروهی متشکل از معاونین وزارت نفت، امور اقتصادی و دارایی، سازمان مدیریت و برنامه ریزی، معاونت حقوقی و امور مجلس و به سرپرستی آقای دکتر صمصامی معاون نظارت و هماهنگی در سیاست های اقتصادی، علمی و فرهنگی حوزه معاون اول رییس جمهور مورد بحث و تبادل نظر واقع و متن نهایی اساسنامه ها به معاون اول رییس جمهور ارایه گردد. گروه اخیر طی جلسات متعدد و با حضور کارشناسان و صاحبنظران دستگاه های عضو گروه، نقطه نظرات اصلاحی و پیشنهادات جدید را بررسی و نهایتاً سرپرست گروه نتایج حاصل از بررسی های انجام شده را در دو گزینه یکی با اختیارات محدود و دیگری با اختیارات وسیعتر و با مراعا ماندن چهار موضوع که تفاهمی در جلسه روی آنها حاصل نگردیده به معاونان اول رییس جمهور تقدیم می دارد. متعاقب اقدامات این گروه در گفتگوی وزیر وقت نفت (آقای مهندس وزیری هامانه) با ریاست جمهوری یکی از مواردی که مراعا گذاشته شده بود برطرف و نظر وزارت نفت در اساسنامه ها ملحوظ می گردد. وزارت نفت با توجه به مهلت قانونی، متن اصلاح شده اساسنامه ها را به معاون اول رییس جمهور ارسال تا در ارایه به مجلس شورای اسلامی تاخیر بیشتری رخ ندهد. نهایتا پس از بررسی هایی که در معاونت نظارت و هماهنگی در سیاست های اقتصادی، علمی و فرهنگی حوزه معاون اول ریاست جمهوری با مشارکت وزارت نفت به عمل آمده در تاریخ ۸۶/۴/۲۵ معاون مذکور متن نهایی اساسنامه های پنج شرکت یاد شده را به همراه متن پیش نویس مصوبه هیات وزیران طی نامه ای به عنوان معاون اول رییس جمهور ارسال می نماید. با تغییر وزیر نفت، وزیر جدید علیرغم حضور در مباحث شورای معاونین در مورد اساسنامه های شرکت های مورد بحث رویکرد تازه ای را مطرح و استراتژی توسعه استفاده از گاز طبیعی را برگزیده و با توجه به اهمیت مسئله گاز در داخل و خارج کشور مقرر می نماید اساسنامه شرکت ها به نحوی تدوین شود که شرکت ملی گاز ایران با شرکت ملی نفت ایران هم تراز گردد و اجرای سیاست های اصل ۴۴ قانون اساسی تسهیل شود و طراحی ساختار بر اساس ماموریت های سازمانی و نسبت به ادای تکلیف قانونی اقدام شود. بر این اساس از دولت درخواست گردیده اساسنامه های قبلی را به وزارت نفت اعاده تا با توجه به استراتژی جدید مورد بازبینی واقع و مجدداً به دولت تقدیم و پس از بررسی و تصویب هیات وزیران به مجلس شورای اسلامی ارایه شود.

نتیجه گیری:

۱- بر اساس توضیحات ارایه شده می توان نتیجه گرفت که اگر در دولت های قبل عدم صراحت قوانین و شفافیت وظایف و تکالیف قانونی موجب عدم ارایه اساسنامه شرکت ملی نفت ایران، شرکت ملی گاز ایران و شرکت ملی صنایع پتروشیمی بوده است از دوره دولت نهم به بعد نه تنها هیچگونه ابهام قانونی در این رابطه وجود نداشته است بلکه صراحت قانون در ارایه این اساسنامه ها در هفت سال پی در پی تکرار گردیده و عذر موجهی از این نظر برای عدم ارایه اساسنامه ها به مجلس متصور نیست. در اینجا این پرسش پیش می آید که چرا منتقدین و معترضین که در دولت هشتم مجدانه به این مسئله می پرداختند در سال های اخیر علیرغم تکلیف قانونی دولت به طور صریح و قاطع نسبت به عدم ارایه اساسنامه های این شرکت ها اینگونه خموش گردیده و مهر سکوت بر لب زده اند آیا در این مقطع زمانی از نظر آنها فلسفه بیداری افکار عمومی و اطلاع رسانی لازم به مردم منتفی گردیده یا اهداف دیگری در میان بوده است؟

۲- با توجه به بررسی های گسترده ای که نسبت به متن اساسنامه های شرکت های نفت صورت پذیرفته و نظرات کارشناسان و صاحبنظران صنعت نفت کشور و سایر دستگاه های ذی ربط در آن لحاظ گردیده و به مرحله تصویب دولت و ارایه به مجلس رسیده است، چه مشکلی وجود دارد که مانع ارایه اساسنامه ها به مجلس شده است.

۳- دلبستگی به ارایه اساسنامه های شرکت ملی نفت ایران، شرکت ملی گاز ایران و شرکت ملی صنایع پتروشیمی توسط نمایندگان مجلس به صورت طرح های قانونی نیز سرانجامی نخواهد داشت، کما اینکه طرح هایی که تاکنون در چند دوره مجلس توسط عده ای از نمایندگان به مجلس داده شده سرانجام مثبتی نداشته است و بیراهه رفتن به نظر می رسد.

۴- سوابق موجود نشان می دهد در ارتباط با اساسنامه این شرکت ها سه رویکرد مشخص وجود دارد:

رویکرد اول:

این رویکرد مربوط به مقطع زمانی پایانی دوره هشتم ریاست جمهوری است که در زمان وزارت آقای مهندس زنگنه مبتنی بر بررسی و مطالعات یک ساله گروه تدوین اساسنامه در وزارت نفت می باشد که محورهای اصلی آن عبارت است از:

الف - حداقل تغییرات در اساسنامه ها به منظور پرهیز از ایجاد نگرانی در بازار نفت، کاهش دغدغه سرمایه گذاران داخلی و خارجی و طرف های قراردادهای نفتی و جلوگیری از بهم ریختگی انسجام پرسنل سامان یافته صنعت نفت کشور و اصلاح تدریجی قوانین به تناسب پیشرفت های تکنولوژی و شرایط بازار و اقتضائات روز صنعت نفت کشور در رقابت با شرکت های نفتی سایر کشورها

ب - تقویت زمینه های نظارت و مسوولیت خواهی مجلس از وزارت نفت

ج - ایجاد سازوکارهایی که درآمد دولت را از فعالیت های شرکت ملی نفت ایران حداکثر نماید

د- افزایش اعتبار جهانی این شرکت ها به ویژه شرکت ملی نفت ایران و صنایع پتروشیمی

و- شفاف سازی روابط مالی بین دولت و شرکت ملی نفت ایران

ز-انجام تکلیف قانونی موضوع بند "د" تبصره ۱۱ قانون بودجه سال ۱۳۸۴

رویکرد دوم:

این رویکرد مربوط به دوه وزارت آقای مهندس وزیری هامانه می شود. البته رویکرد دوم از ناحیه وزارت نفت اتخاذ نگردیده بلکه رویکرد وزارت نفت در این دوره نیز در امتداد رویکرد اول و با لحاظ نمودن اصلاحات مربوط به مباحث کارشناسی با تاکید بر انسجام شبکه پرسنلی صنعت نفت کشور و ارتقاء کارآیی و اثر بخشی نیروی انسانی بوده است لیکن در بحث ها و تبادل نظرهای گروه منتخب دولت، در قبال برخی پیشنهادات اعضای گروه با وزیر نفت رویکرد ایجاد پنج شرکت پیش گفته مطرح تا شرکت ها مبتنی بر نوع فعالیت ها و تخصص تشکیل و ساختار صنعت نفت برای تسهیل اجرای سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی متحول و مزیت های مربوط به اعتبار تاریخی شرکت ملی نفت ایران نیز محفوظ بماند.

رویکرد سوم:

رویکرد سوم مربوط به دوره وزارت آقای مهندس نوذری است. در رویکرد اخیر استراتژی توسعه استفاده از گاز طبیعی، ارتقاء اعتبار بین المللی شرکت های اصلی صنعت نفت، طراحی ساختار بر اساس ماموریت های سازمانی، تسهیل در اجرای سیاست های اصل ۴۴ قانون اساسی، پرهیز از ایجاد اختلال در امور جاری شرکت ها و انجام تکلیف قانونی مدنظر قرار گرفته است.

با توجه به رویکردهای مزبور ملاحظه می شود به جز تفاوت تغییر ساختار که در رویکرد دوم مشاهده می شود در بقیه موارد تفاوت چندانی در محتوی اساسنامه ها به چشم نمی آید.

بنابراین آنچه در این مرحله اهمیت دارد، ابتدا ترغیب دولت به ارایه اساسنامه ها به مجلس و از طرف دیگر آگاه کردن نمایندگان مجلس به ویژه اعضای کمیسیون های انرژی، اقتصادی، برنامه و بودجه و صنایع و هیات رییسه مجلس شورای اسلامی از محتوی اساسنامه ها و پاسخ به مواردی است که برای آنها جای سوال باقی گذاشته است و این ضرورت وجود دارد که با کمیسیون های مزبور جلسات بحث و تبادل نظر پیرامون ابعاد موضوعات اساسنامه تشکیل و حساسیت ها و اهمیت امور در مقوله های اکتشاف، حفاری، استخراج، تولید و بهره برداری صیانت از مخازن، فراوری نفت و گاز و میعانات گازی، حمل و نقل و توزیع بازاریابی و بازاررسانی و نگهداری تاسیسات صنعتی و جذب، آموزش و تربیت نیروی انسانی، سختی و صعوبت کار در خشکی و دریاها، گسترش واحدهای پژوهشی و تحقیقاتی، قراردادهای داخلی و بین المللی، رقابت پذیری با شرکت های نفتی سایر شرکت ها، بهره مندی از دانش و فناوری های روز و مشارکت و همکاری در فعالیت های نفتی سایر کشورها و ... با کمیسیون های تخصصی مذکور مطرح و نمایندگان مختلف در این مورد آگاه شوند. تا به این ترتیب نه تنها دغدغه دولت نسبت به سرنوشت اساسنامه ها و خروجی آن از مجلس مرتفع گردد بلکه زمینه برخوردهای احساسی و هیجانی احتمالی یا موضع گیری های خاص سیاسی برطرف و امکان تصمیم گیری مناسب مبتنی بر تامین منافع ملی و مصالح عمومی کشور برای مجلس فراهم و با رایزنی ها و انتقال اطلاعات تجربی، علمی و واقع بینانه به هر نحو ممکن مجلس را در این تصمیم گیری مهم و تاریخی یاری رسانید.